

درک نادرست از میهن دوستی

دکتر بصیر کامجو

فبروری 2018

در نگرش و بررسی این جستار، ما مناسبت های ناهمگون بینش برخی از افراد جامعه ما را درباره درک نادرست میهن دوستی، مورد پژوهش و بازشناسی قرار می دهیم.

در ذات سخن! واژه ای میهن پیش هر انسانی که در آن زیست می نماید با ارزش و با اهمیت است. میهن زادگاه، جایگاه آرام، مکان زیست مردم و خانواده است. تمام هست و بود، غرور و افتخار، بزرگی و شکوه زندگی همه شهروندان یک کشور، در آمیخته و ممزوج به میهن است.

این پیوند و امتزاج ذاتی افراد جامعه با میهن سبب گردیده که شهروندان آن بنسبت دلبستگی، احساس، مهر و دوستی ای که در نیت و اراده برای زادگاه خویش دارند، دل سپارانه به هدف بهبود زیست باهمی و تأمین امنیت و آزادی در آن، تلاش اخلاقی و انسانی می نمایند.

میهن دوستی چیست

میهن رامیتوان بستر مادی و مینوی، هست و بود مردم آن سرزمین شناخت، که سنگپایه ای همه ارزش های هویت تاریخی و فرهنگی و سیاسی مردمان آنرا تشکیل می دهد. مهر و دوستی به میهن نزد مردم، بمفهوم نمای سهش و شور، پاسداری و فداکاری برای سازندگی، بالندگی و شکوفایی آن می باشد.

مناسبت ذاتی میان دوستی مردم به میهن، مانند مناسبت "جان و تن" در انسان است. همین گونه ای که جان انسان بدون تن و تن وی بدون جان در جشمش تداوم لقاء بُود ندارد. به همان اندازه مناسبت دوستی مردم به میهن شان، نیز ازین دستور نامه بیرون نیست.

بناً فراخور دوستی مردم به میهن شان، مانند دوستی مادر به کودک اش است. بجز این بنیاد، دیگر هیچ گونه توجیه و روایش وجود ندارد.

اما درک و بینش واژه "میهن دوستی" خلاف این ارزشها و ذوات یاد شده، نزد برخی از گروه های اتنیکی، سیاسی و مذهبی کشور ما و منطقه، خیلی منقلب و متفاوت است.

اندیشه ای گروه های اتنیکی و مذهبی در مورد "میهن دوستی"

یک - نزد گروه های مذهبی و دینی کشور ما، ایران و پاکستان، واژه "میهن دوستی" بمفهوم دفاع از ارزشهای اسلامی، به هدف سوق اراده و روان مردم بسوی استقرار نظام دینی و مذهبی از راه جهاد و شهادت می باشد. باتأسف که این رویکرد های مجرد و فریبنده ای پیشوایان مذهبی در این حوزه، هیچ کدام پیوند خونی، اخلاقی و انسانی ای هم به میهن دوستی و میهن پرستی ندارد. برخلاف، اشکال شعور اجتماعی مردم این سرزمین را - در گرداب فقر دانش و نادانی فرو برده و به پرتگاه افرادگرایی و از خود بیگانگی روانی می کشانند.

دو - واژه "میهن دوستی" نزد برخی از رهبران سیاسی حاکم گروه های پشتون = افغان اگر طالب است یا به لقب کهنه اش القاعده و به لقب جدیدش داعش، اگر کافر است یا مسلمان، یهود است یا مسیحی، خلقی است یا پرچمی، نکتای دار است یا بی نکتای، بدون تفاوت کدام مفهوم و ارزش اخلاقی و سیاسی ای ندارد.

زیرا اگر این واژه مقدس " میهن دوستی و میهن پرستی " برای این جنس افراد کدام مفهومی می داشت در آن مرتبه ، همچو مردمک چشم خویش ، از آن نگهبانی می کردند. و میهن را مانند خانواده وزادگاه خود ، گرامی می داشتند .

با تأسف که چنین نیست . مشکل وانگیزه اساسی نبودِ علاقه مندی حاکمان افغان به " میهن دوستی " در کشور ما ، درخاستگاه این قبیله گرایان نهفته است ، نه در کدام چیز دیگری ! زیرا رهبران حاکم قبیله بنسبت پیشبرد سیاست خون و خشونت علیه مردم این سرزمین ، در کردار و پندار خویش ثابت نموده اند که آنها واقعاً ازین میهن برنخاسته اند .

برای اینکه درنیت و اراده خویش این میهن را همچو جان و تن ، هست و بود و پیام آور افتخار و غرور خود نمی پندارند . و بر اساس همین تفکر و پندار کاذب و دشمنانه ای آنها است که ، حس راستین میهن دوستی در روح و روان آنها جاری نیست.

اگر داشت که حس میهن دوستی راستین در وجدان ، روان و خون آنها درآمخته و جاری می بود ، و میهن را همچو جان و تن خود فکرمی کردند .

و مادر این میهن را مادر خویش ، خواهر این میهن را خواهر خویش ، مردان این میهن را پدر و برادر خویش می پنداشتند . هیچگاه این اجیران کور سرمایه و سربازان قبیله ، خنجرکین توزی را به قلب مادر وطن این کشور فرود نمی آوردند .

با تأسف که این گروه های دهشت افکن ، دشمنان قسم خورده میهن و مردم ما ، به رهبری گلبدین حکمتیار ، مرحوم ملامحمد عمر ، مرحوم جلال الدین حقانی ، زلمی خلیلزاد ، حامد کرزی ، اشرف غنی احمدزی و دیگران ، به هدف استقرار حاکمیت سیاسی قبیله در سرزمین خورشید ، از سال 1994 تا امروز ، بمدت 24 سال و اندی در زیر سایه نهادهای سرمایه جهانی ، همه روزه درکشورجوی خون جاری می کنند ، بی باکانه سر می بُرند و آدم می کُشند ، زمینها و تاکها و درختها را به آتش می کشند ، جوی ها ، قنات ها ، کاریزها و جاده هارا ویران و زهر آگین می سازند ، شیرازه مادی و مینوی سرزمین مارا به خاک سیاه یکسان می کنند ، راهکارهای سیاسی تصفیه قومی علیه ملیت های غیرافغان را با شدت تمام در همه میدان های زندگی پیش می برند. و کشور ما را با تحقق چنین راهبرد سیاسی غیر انسانی ، به جهنم تبدیل نموده و می نمایند .

نتیجه :

تاجیکان ، هزاره ها و ازبکها ، پشتونهای فارسی زبان و صلحخواه ، برای حق تان ابراز وجود نمائید .
زیردرفش " میهن دوستی " با هم یکپارچه شوید و از اراده همبستگی شهروندی پیروی کنید .

دژ مقاومت را با پیمان راستین و باور آهنین نیرومند سازید . کشور اجدادی خویش را بسوی خود فرمانی ملی و استقلال و آزادی سوق دهید.

در انتخابات آینده بوسیله برگه های رای ، قدرت مردمی خویش را به نمایش گذارید . ساختار حاکمیت سیاسی قبیله را برای همیشه به گودال تاریخ دفن کنید ، و نظام پارلمانی مردمسالار را جانشین آن نمائید.

با غرور و موفق باشید